

فرصت بدست آمده را از

دست ندهیم! ی-آبخون

نمایندگان ضدکارگری مجلس شورای اسلامی در روز ۱۹ خرداد ماه هم‌زمان با اعلام دو روز اعتصاب سراسری و عزای عمومی کارگری در اعتراض به تصویب تغییر قانون کار اسلامی برای حذف کارگران کارگاه‌های کمتر از سه نفر از شمولیت آن، با شکست فزاینده‌ای عقب نشستند. آن‌ها که می‌خواستند با وقاحت و حماقت تمام، بحث در مورد جزئیات طرح متوجه‌شان را شروع کنند، ناگزیر شدند تا کل طرح را تا شش ماه دیگر عقب بیاورند. تا شش ماه دیگری که معلوم نیست با ورود آگاهانه و سراسری میلیون‌ها نفر از کارگران خشمگین، گرسنه و محروم از حق زندگی به صحنه مبارزات سیاسی کشور، کل دستگاه حکومتی و قانون‌گذاری الهی و اسلامی‌شان چه سرنوشتی پیدا کند. در صفحه ۲

طبقه کارگر، مَهرخود را کوبید!

برهان

با ۱۱۰ رای موافق از تصویب گذشت. چرا طرحی که روز پیش به تصویب رسیده بود و آن همه بر فوریت بی‌مورد آن تأکید وجود داشت، به ناگهان مسکوت گذاشته شد؟ نیاز به کدام بررسی کارشناسانه وجود داشت، وقتی که طرح، توسط کمیسیون کار و امور اجتماعی مجلس ارائه شده بود؟ و چه شد که در فاصله شب تا صبح، نمایندگان متوجه ضرورت بررسی کارشناسانه طرح شدند؟! همان‌طور که در اعلامیه هیئت اجرائی سازمان، ساعتی پس از این تصمیم مجلس به اطلاع رساندیم، آن‌چه سبب مسکوت نگهداشتن ناگهانی طرح مصوب شد، خیر اعتصاب عمومی کارگران کشور و اعلام دو روز عزا از سوی آنان بود! تصمیم شتاب‌زده و بقیه در صفحه ۲

هجدهم خردادماه، مجلس شورای اسلامی کلیات طرح «معافیت کارگاه‌ها و مشاغل دارای سه نفر کارگر یا کمتر، از شمولیت قانون کار»، (که کارگران در تظاهرات اول ماه مه، مخالفت خود را با آن اعلام کرده بودند) را با قید یک فوریتی، تصویب کرد و بحث در باره جزئیات آن، به روز بعد موکول شد.

اما در روز چهارشنبه نوزدهم خرداد، هنگامی که طبق قرار قبلی می‌بایست بحث در باره جزئیات طرح مصوب شروع شود، هیئت رئیسه مجلس که گوئی یک فوریتی بودن طرح، و اساساً تصویب آن در روز قبل را از یاد برده است، با هول و دست‌پاچگی پیشنهاد کرد که این طرح، تا شش ماه دیگر مسکوت گذاشته شود تا جوانب آن مورد بررسی کارشناسانه قرار گیرد و این پیشنهاد

تشدید حفقان در تدارک انتخابات مجلس

سارا محمود

نظریه پردازان ولایت فقیه حرفی برای

گفتن ندارند! وحیدنیرابی

نظریه‌پردازان برجسته ولایت فقیه، از این قماش است. او از وقتی در دفاع از این نظریه فعالانه وارد میدان شده، تاکنون حرف‌هایی زده است که هرکدام از آن‌ها برای تشکیل یک دادگاه نورنبرگ علیه او کافی است. به نظر این آخوند مرتجع که براستی باید او را سمبل ذات ارتجاعی و فاشیستی ولایت فقیه دانست، جوانان اگر آزادی می‌خواهند، به خاطر این است که دچار انحراف جنسی هستند. او در قم گفته است کسی که شهروند درجه یک و درجه ۲ را قبول نداشته باشد، اسلام را قبول ندارد، و بر همین منوال در نماز جمعه ۲۱ خرداد به بحث در باره شکل حکومت پرداخته و گفته است: «افرادی آگاهانه و یا ناآگاهانه مطرح می‌کنند که اسلام شکل خاصی برای حکومت تعیین نکرده پس مردم هستند که شکل حکومت را ترسیم می‌کنند و همین مردم در صفحه ۴

ولایت فقیه اکنون مرده ریگی است که بوی تعفنش میلیون‌ها ایرانی را به حال تهوع کشانده است؛ جسدی است که زنده زنده در حال پوسیدن است و اگر هم چنان هست برای این است که در کشاکش جنگ مردم با حکومت روی دست مانده است و مانده است تا بزودی دفن شود. از ولایت فقیه بعد از بیست سال تبه‌کاری و بعد از برآمد مردم در دوم خرداد دیگر نمی‌توانند دفاع کنند. هر دفاعی تنها کار را خرابتر می‌کند، و هر تلاشی برای «رفع شبهه» از این نظریه خود منبع شبهات جدید است. ولایت فقیه در میدان جنگ نظری قافییه را به مفتضحانه‌ترین شکل ممکن باخته است. بهترین سند این داوری، سخنان دانه‌درشت‌های حوزه علمیه و پایه‌وران ولایت فقیه است که در نماز جمعه‌ها در دفاع از این نظریه سخن می‌گویند. آخوند مصباح یزدی،

افزایش داده و به‌علاوه نه فقط مدیرمسئول بلکه همه همکاران نشریه از خبرنگار تا طراح و نویسنده را زیر ضرب هیأت قرار می‌دهد. مطبوعاتی که از نظر جناح حاکم نامطلوب محسوب می‌شوند اغلب یا مستقیماً حامی جناح خاتمی هستند، یا به نحوی در سایه قدرت یک جناح قرار دارند. و تعداد بسیار معدودی هم فقط تقيه می‌کنند و از طریق خودسانسوری قادر به ادامه نفس در کشور هستند. بنابراین از آزادی مطبوعات در معنای واقعی کلمه در ایران اثری نیست و باصطلاح، آزادی مطبوعات مستقل به محدوده کشاکش دو جناح مشروط است و این مقدار آزادی و استقلال هم با تصویب قوانین در مجلس اسلامی نه از بین می‌رود و نه به‌وجود می‌آید، بلکه وجود این مقدار آزادی بیان منوط است به توازن قوای دو جناح که خود با حدود پیشرفت مردم علیه رژیم ارتباط دارد. بقیه در صفحه ۲

دو هفته پیش (یکشنبه ۹ خرداد)، نمایندگان جناح خامنه‌ای طرح اصلاح قانون مطبوعات را به مجلس اسلامی بردند. اصلاحات مورد نظر این جناح مبتنی است بر اولاً-انتقال قدرت قانونی و حق داوری به نمایندگان این جناح. این امر از طریق تغییر ترکیب پنج نفره نظارت بر مطبوعات و هیأت سه نفره‌ای که هیأت منصفه را گزین می‌کند و افزودن نمایندگان از حوزه علمیه، سازمان تبلیغات اسلامی و ائمه جمعه به آن تأمین شده است. با این تغییر نمایندگان جناح حاکم هم نظارت بر مطبوعات را بر عهده می‌گیرند، هم هیأت منصفه را انتخاب می‌کنند. بنابراین جناح حاکم می‌تواند هر که را می‌خواهد به دادگاه احضار کند و حکم مورد نظر را صادر نماید. ثانیاً-به هیأت نظارت اختیار توقیف مطبوعات داده می‌شود. ثالثاً-محدودیت‌ها برای قلم را

دنباله از صفحه ۱ فرصت بدست

ولی همان طور که این تجربه نشان داد معلوم است که سرنوشت همه چیز بستگی به آن دارد که کارگران تا چه اندازه بتوانند نیروی خود را متحدتر، سازمان یافته تر، آگاهانه تر و مستقل تر به صحنه مبارزه بکشاند تا بتوانند در برابر نیروی سرکوب و توطئه سران رژیم اسلامی که به هر حال برای پیشبرد طرح شان به میدان خواهند آورد، مقاومت کنند. تا این جا کارگران قادر شده اند که در دفاع از محروم ترین و بی دفاع ترین بخش کارگری، یعنی کارگران کارگاه های کوچک، نمایندگان ضدکارگری مجلس و طراحان و طرفداران طرح مزبور را به عقب نشینی وادارند و ناگزیرشان کنند تفشان را بلیسند. معلوم است که این هنوز اولین گام کارگران برای عقب نشاندن تعرض سران رژیم برای تحمیل شرایط برده وار و بی قانونی و بی حقی مطلق بر کل کارگران و اولین گام در اعتراض سراسری آنان به شرایط تحمیل ناپذیر کار و زندگی است.

صرف نظر از بازی سیاسی جناح های رژیم بر سر تغییر قانون کار و اهداف سیاسی بازنه گان و برنده گان آن، آن چه در حال حاضر اهمیت دارد، طرح مسائل کارگری در مبارزات سیاسی کنونی در کشور و اهمیت نیروی کارگران در روند مبارزات کنونی است. نیروئی که بدون آن برهم زدن تعادل موجود در شرایط کنونی به نفع پیشبرد و گسترش مبارزات توده ای امکان ناپذیر است. کارگرانی که با یک اشاره خود قادر شدند تا نمایندگان ارتجاعی مجلس و سران رژیم را با سراسیمگی و دستپاچگی به عقب نشینی وادارند، بی تردید نیروی تعیین کننده ای در مبارزات مردم برای رهائی از شر نظام ولایت فقیه به شمار می روند. مبارزات آزادی خواهانه دانشجویان، مبارزات زنان علیه آپارتاید جنسی رژیم اسلامی و برای حقوق برابر و انسانی با مردان، مبارزه ییکاران برای حق زندگی و اشتغال، مبارزه روشنفکران، نویسندگان و خبرنگاران برای آزادی بیان و اندیشه و غیره و غیره، نمی تواند بدون پیوند با جنبش کارگران از نیروی لازم برای به زانو درآوردن رژیم اسلامی برخوردار شود.

خوشبختانه جناح حاکم با خطای

دنباله از صفحه ۱ طبقه کارگر —

به شدت دست پاچه مجلس اسلامی، یک تسلیم وحشت زده در مقابل اقدام غافلگیرکننده کارگران بود. این واقعه بی نظیر — که در رسانه های داخلی و خارجی «مسکوت گذاشته شد!» — دارای اهمیت اجتماعی و سیاسی بسیار بالائی است.

درست در زمانی که شعار «قانون مداری» دولت، گوش ها را گر کرده است، مجلسیان، با تلاش برای تصویب این طرح، می خواستند کارفرمایانی که سه، یا کمتر کارگر دارند، را مجاز سازند که قانون کار را زیر پا بگذارند و بی هیچ ترس و ملاحظه ای، بدون هیچ قید و بندی و بدون هیچ مجازاتی، با دست باز و خیال راحت هر چند ساعت در روز و هر چند روز در هفته که میل شان بود از آنان کار بکشند؛ هر اندازه که دل شان خواست به کارگران شان مزد بدهند؛ به آنان مرخصی سالیانه، مرخصی استعلاجی، مرخصی زایمان ندهند؛ مسئولیتی در برابر سوانح کار و جان کارگر نداشته باشند؛ سهم کارفرما برای بیمه درمانی و بیمه بیکاری کارگر را نپردازند؛ از همه هزینه ها و تعهدات ناشی از قانون کار، معاف شوند؛ و هر لحظه که اراده کردند، کارگر را بدون محاسبه سنوات و پرداخت دیناری اخراج کنند.

برخلاف آمار رسمی، این طرح فقط دامن گیر دو میلیون کارگر

که با اشتباه احمقانه در ارزیابی شان برای ایجاد شکاف در جناح رقیب، این طرح را به دستور اطاق بازرگانی، یعنی اطاق توطئه نمایندگان تجار و سرمایه داران و غارتگران اصلی اقتصاد کشور به مجلس بردند، بیش از هر زمان دیگری خود را در مرکز حمله مشترک نیروهای مختلف قرار داده اند. از این نظر فرصت مناسب برای به شکست گشاندن توطئه های این جناح برای سرکوب کارگران و مبارزات آزادی خواهانه زنان، دانشجویان، روشنفکران و نویسندگان فراهم آمده است. جنبش کارگری و جنبش های آزادی خواهانه مردم می باید از فرصت طلایی به دست آمده برای گسترش هر چه بیشتر مبارزات خود و در راستای پیوند این مبارزات سود جویند.

نمی شد، زیرا صدها هزار مزدبگیر نظیر کارگران منازل، کارگران ساختمانی، کارگران فصلی، شاگردان مغازه ها، مستخدمین شرکت های خصوصی، رانندگان، و بسیاری دیگر، در این آمار که محدود به کارگاه هاست، محاسبه نشده است. با این حال، بیرون راندن همین دو میلیون نفر از پوشش قانون کار (صرف نظر از این که قانون کار چقدر ضامن کارگران هست یا نیست)، بقدر کافی یک فاجعه سهمگین و بزرگ می بود. ابعاد این ضربه فاجعه بار فقط بر این دو میلیون یا فقط بر کارگرانی که قانوناً مشمول آن شوند، محدود نمی ماند. قانونی شدن چنین طرح «هوس انگیزی»، به بسیاری از کارفرمایانی که بیش از سه کارگر دارند، نا گفته اجازه قانونی می داد که برای بهره مندی از این نعمت بزرگ، با اخراج بخشی از کارگران و یا با تجدید ساختار، بنگاه خود را به واحدهای متعدد کوچک با سه کارگر تبدیل کنند. به این ترتیب، طرح کذائی، معافیت کارگاه ها و مشاغلی را نیز که لاقط از شش تا پانزده کارگر دارند، پیشاپیش در خود گنجانده بود.

طرح مزبور، که دست سرمایه داران را در تشدید استثمار، کاهش دستمزد، سلب کامل حقوق، و اخراج بدون مزایای کارگران، بطور مطلق باز می گذارد، دامنه فاجعه را از طریق کاهش دستمزد و افزایش بیکاری که نتیجه اش تشدید رقابت در بازار کار است، به تمامی کارگران کشور — ام از شاغل و بیکار — گسترش می داد. در شرائطی که ابعاد چندین میلیونی بیکاری و دامنه گسترش یابنده آن؛ سواستفاده فزاینده کارفرمایان از کارگران افغانی و کودکان به منظور شکستن دستمزدها؛ عدم امنیت شغلی کارگران شاغل؛ وخامت اوضاع معیشتی کارگران و بیکاران، و لگدمال شدن هر روزه حقوق آنان، و بی سنگر و بی دفاع ماندن شان در برابر این اوضاع، تدوین یک قانون کار حقیقتاً کارگری و مدافع حقوق جامع آنان، و گسترش شمولیت آن بر همه مزد بگیران را به ضرورتی هر روز چشمگیرتر و عاجل تر تبدیل

می کند، مجلس شورای اسلامی می خواست تا جانی که فعلاً زورش می رسد، دامنه شمولیت همین قانون کار بی بو و خاصیت راهم تنگ تر کند!

مقابله کارگران با این طرح مصیبت بار، سدی است نه تنها در مقابل تعرض زنجیرگسیخته به شرائط کار و زندگی کارگران مورد نظر این طرح، بلکه در دفاع از شرائط کار و زندگی تمام طبقه کارگر؛ و از این جهت، اهمیت اقتصادی و اجتماعی این اقدام، بسیار فراتر از حوزه شمولیت طرح است.

درعین حال، در این حرکت بی نظیر، آن کارگرانی که قرار بود قربانی این طرح شوند به دفاع از منافع خود برخاستند، تمامی طبقه به دفاع از آنان، و از این طریق به دفاع از منافع عمومی خود برخاست. کارگران ایران با این حرکت، آشکارا به مشابه یک طبقه عرض اندام و ابراز وجود کردند. این، یک واقعه نوین اجتماعی، و نقطه عطف مهمی در تاریخ مبارزه طبقاتی کارگران ایران است.

اما این اقدام طبقه کارگر ایران، بی هیچ تردیدی، یک حرکت سیاسی هم بود، یک قدرت نمائی آشکار در برابر دستگاه قانون گذاری رژیم؛ یک اولتیماتوم به حکومت، که عقب نشینی سراسیمه و وحشت زده مجلس اسلامی، از اهمیت آن در شرائط بحران سیاسی و جامعه آستان انفجار کنونی حکایت می کند.

این که کارگران ایران باید از عقب نشینی تاکتیکی مجلس ارتجاع، برای تدارک شرائط استفاده کنند که شش ماه دیگر، مجلس مجبور به پس گرفتن طرح کذائی شود، تنها نتیجه ای نیست که می توان از این پیروزی بزرگ گرفت. مهم ترین چیز این است که کارگران به قدرت خود پی ببرند؛ به قدرت همیشگی و همبستگی میان خود، به قدرت اتحاد طبقاتی شان آگاه شوند. مهم این است که کارگران بدانند که تنها نیروئی در جامعه هستند که به خاطر جایگاه اقتصادی و اجتماعی شان قادراند حکومت را به سه کنجی دیوار بکشند و نفس اش را بگیرند.

بقیه در صفحه ۳

اگر تظاهرات کارگران ایران در اول ماه مه امسال، به میدان آمدن کارگران را اعلام کرد، مشتی که در نوزدهم خرداد بر دهان مجلس اسلامی کوفته شد، مَهْری بود که به نام طبقه کارگر بر روی دادهای سیاسی ایران کوبیده شد.

اما، این فقط نشانه یک آغاز است. طبقه کارگر ایران باید به مثابه یک وزن سیاسی وارد معادلات سیاسی کشور شود و به عنوان طبقه مدعی حکومت، سکان تحول در ایران را به دست بگیرد. ولی تا رسیدن به آنجا، کارگران ایران دنیائی کار در پیش دارند: آنان باید خود را از نفوذ «خانه کارگر» بیرون بکشند؛ باید تشکلهای صنفی و تشکل سراسری مستقل خود را ایجاد کنند؛ باید در احزاب سوسیالیستی انقلابی خودشان متشکل شوند. بدون تشکیلات مستقل، بدون حزب سیاسی، کارگران از تبدیل همبستگی عاطفی شان به یک اراده واحد و از تبدیل اعتراضات پراکنده شان به یک قدرت تغییر دهنده شرایط، محروم خواهند بود و پیروزی هائی چون پیروزی اخیر بر مجلس اسلامی، پیروزی هائی ناپایدار خواهند بود.

ما راه کارگری ها که در تمامی این سالها هدف اصلی همه تلاش های مان در داخل و خارج ایران در این جهت بوده است که کارگران ایران پا به میدان بگذارند و مَهْری خود را بر روی دادهای کشور بزنند، امروز خود را شادمانه در برابر شرائطی عینی می بینیم که تشکلهای سراسری و حزب سیاسی کارگران را در دستور روز جنبش کارگری قرار داده است؛ چیزی که ما بیست سال در ضرورت آن قلم زده و در داخل ایران تلاش کرده و قربانی ها داده ایم. و حالا برای کمک به کارگران در این ضرورت روز، باید هست و نیست خود داو را بگذاریم. ما آگاه تر و جدی تر و مسئول تر از آنیم که وانمود کنیم به تنهایی جوابگوی این نیاز طبقه کارگر ایران هستیم، پس دست هم کاری به سوی همه آنانی دراز می کنیم که می خواهند به تشکل کارگران به مثابه طبقه حاکم کمک کنند.

دنباله از صفحه ۱ تشدید خفقان ...
با این وجود ارائه طرح اصلاح قانون مطبوعات در شرایط کنونی معنای مهمی دارد: معنای روشن ارائه این قانون، در شرایطی که مردم به طرق گوناگون و از جمله در انتخابات شوراها بیزاری و رویگردانی خود را از ولایت فقیه علناً به نمایش می گذارند و در شرایطی که در سطح رقابت انتخاباتی محدود کنونی توازن به ضرر جناح حاکم است، این است که جناح حاکم مصمم است اکنون تنها ابزار باقیمانده خود ابزار استبدادی را به کار بگیرد. درحالی که کمتر از ۸ ماه به انتخابات مجلس اسلامی فاصله داریم، ابزار استبدادی تنها راه ممکن برای پیروزی این جناح در انتخابات مجلس است؛ ابزار استبداد قانونی جناح حاکم در مجلس یعنی نظارت استصوابی. بنابراین جناح حاکم انتخابات مجلس اسلامی را هم سنگ انتخابات شوراها نمی داند و اگر در آنجا از طریق صلاح و صواب دید و چانه زنی راه را برای رقابت جناح مقابل و حتی تا حدودی برخی از نیروهای مستقل باز گذاشت، در انتخابات مجلس خیال ندارد به جناح مقابل اجازه دهد از بیزاری مردم از ولایت فقیه سود جوید یا به رقابت انتخاباتی در محدوده ممکن تکیه کند. چماق قانون و نظارت استصوابی باید انتخابات مجلس را به انتصایات جناح حاکم تبدیل کند و جناح حاکم برای مجلس شورای اسلامی مثل مجلس خبرگان تدارک می بیند تا این سنگر صدور قوانین استبدادی را با زور حفظ کند.

لایحه اصلاح مطبوعات و تهاجم اخیر به مطبوعات، جزئی از تدارکات لازم برای انتخابات مجلس ششم است. از این رو نمایندگان عوامل جناح حاکم در هفته گذشته به مناسبت های گوناگون هم زمان به آزادی مطبوعات حمله کردند و در عین حال از ضرورت اطاعت از ولایت فقیه، به عنوان رکن رکن حکومت اسلامی و از اهمیت شورای نگهبان و نظارت استصوابی سخن گفتند. از جمله مصباح یزدی در دانشگاه بوعلی سینا که هم به آزادی و دمکراسی حمله کرد و هم تأکید کرد شکل و ساختار حکومت را ولی فقیه

به عنوان نماینده خدا تعیین می کند نه مردم، و حمیدرضا ترقی نماینده مشهد که هم به قلم به دستان حمله کرد و از اصلاح قانون مطبوعات دفاع کرد و هم از رهبری، قوه قضائیه و مجلس دفاع کرد، و خزعلی عضو شورای نگهبان که هم از اطاعت از ولی فقیه و شورای نگهبان و نظارت استصوابی دفاع کرد و هم به روزنامه نویسان حمله کرد و قطعنامه سمینار بسیج دانشجویی، بازوی نظارت دانشجویی سپاه پاسداران که بر ولایت فقیه به عنوان رکن رکن خیمه اسلام و ستون اصلی نظام اسلامی تأکید کرد.

در مجموع تدارک انتخابات مجلس توسط جناح حاکم منحصرأ متکی است بر گسترش خفقان همه جانبه و نمایندگان و سران جناح حاکم در تبلیغات خود نیز بر خلاف آستانه دوم خرداد، دیگر پرده پوشی نمی کنند، بلکه صریحاً اعلام می کنند آزادی مطبوعات و کلاً آزادی و دمکراسی با سیطره ولایت فقیه در تناقض است و آن ها برای حفظ اسلام در حکومت و حفظ اکثریت آراء در مجلس کنونی، نه بر رقابت انتخاباتی بلکه بر مشت محکم و نظارت استصوابی تکیه خواهند کرد.

جناح رقیب برای مقابله با این سیاست در انبار متراکم جنبش اعتراضی توده ای وسیله کم ندارند، اما آتش خشم و نفرت از این تحول چنان متراکم شده که این جناح از به کارگرفتن آن وحشت دارد و آن را انبار باروتی علیه موجودیت کل نظام و از جمله موجودیت جناح خود می بینند و از تحرک و کاربرد آن وحشت دارد و می کوشد از طریق چانه زنی در چارچوب قانونی پیش برود. چارچوبی که حالا خود جناح حاکم آن را به چماقی علیه رقیب تبدیل کرده است و همین امر است که دولت خاتمی و طرفداران پلانفرم او را وادار به تسلیم در مقابل جناح حاکم می کند.

دو سال و اندی پس از دوم خرداد دیگر بر کسی پوشیده نیست که به هم ریختن توازن قوای مردم و کل حکومت اسلامی و نه توازن قوای دو جناح است که راه برون رفت از وضعیت موجود را در ایران رقم خواهد زد.

بدون تفسیر

محمد یزدی:

برخی قلم به دستان که گاهی قلم و کاغذ به دست شان می افتد، بیشتر از دهن شان حرف می زنند و هر چه می خواهند می نویسند که به نظر من این افراد اصول اسلام را هم نمی شناسند.

ابوالقاسم خزعلی:

اطاعت از شاه با زور سرنیزه باطل است اما اطاعت از ولی فقیه واجب است. الان صدای عده ای روزنامه نویسی بلند شده که این دیکتاتوری است. من به آنان می گویم ما همه باید به قانون الهی عمل کنیم. این قانونی که فقیه می گوید از خودش نیست بلکه از خداست. آیا مسلمانی هست که بگوید من قانون خدا را نمی پذیرم؟ روزنامه ها را آن قدر آزاد گذاشتند تا جایی که نوشتند "می گویند دیکتاتوری در آخرالزمان خواهد آمد و دنیا را پر از عدل خواهد کرد"، دهانت خرد باد، دهانت پر آتش باد که به ولی عصر توین می کنی.

محمد تقی مصباح یزدی:

اگر تحقق اهداف اسلامی به جز از راه خشونت میسر نباشد، این کار ضروری است... اگر دمکراسی به معنای انجام تمامی خواسته های مردم، ولو خواسته های غیراسلامی باشد، در کشور ما دمکراسی وجود ندارد. ولی اگر منظور از آن اعمال نظر مردم در چهارچوب اسلام باشد، کشور ما مردم سالار است.

حبیب الله عسکراولادی:

خط براندازی سیاسی و فرهنگی انقلاب از سوی دشمنان اسلام، امام و سبیلی خوردگان از انقلاب، راهبرد تخریبی خود را بر نفوذ در مطبوعات خودی قرار داده است. آگاهان سیاسی نمی توانند این واقعیت را منکر شوند و تنها خود باخته گان سیاسی و فرهنگی هستند که با تقصیر آن را انکار می کنند... متأسفانه برخی فریب کارانه، باج خواهی ضدانقلاب از نظام را به نام مطالبات جوانان عنوان می کنند. این همان نمادی از خط براندازی است که گه گاه خطوط آن در برخی از روزنامه های مدعی خودی رخ می نماید.

کارگران و زحمت کشان

خواستار: (رفع نقص وسائط نقلیه، ترک سیگار، خاموشی خودروها در زمان توقف، درخت کاری توسط بزرگترها و نگهداری آن توسط کودکان شدند.)

راه پیمائی برای محیط زیست

۲۵۰ نفر از دوست داران طبیعت در روز چهارشنبه ۱۹ خرداد با راهپیمائی و تجمع در مقابل رودخانه‌ی «زرچوب رشت» خواستار راه حل عاجلی برای حل آلودگی این رودخانه شدند. شرکت کننده‌گان با انجام یک راهپیمائی آرام از اداره کل محیط زیست استان گیلان تا محل رودخانه «زرچوب» با محکوم کردن عوامل آلوده کننده محیط طبیعی خواستار توجه مردم و مسئولان استان نسبت به حفظ محیط زیست شدند. رودخانه «زرچوب» با ۵۵ کیلومتر طول از دامنه‌های البرز سرچشمه می‌گیرد و به گفته کارشناسان پس از عبور از شهر رشت با از دست داد تمامی خیمه‌های حیات و زندگی در سکوتی مطلق از طریق تالاب انزلی به دریای خزر می‌ریزد. بستر این رودخانه هم‌اکنون تبدیل به کانال گذر فاضلاب‌ها و زباله‌های شهر رشت و حومه شده است.

قتل یک جوان

یکی از جوانانی که در مراسم سخنرانی وزیر ارشاد در تبریز شرکت داشت، به دلیل پوشیدن لباس آستین کوتاه، مورد ضرب و شتم نیروهای چماقداران حزب‌الله قرار گرفت. این جوان که از سوی سینه و دست مجروح شده بود پس از چند روز در ۲۰ خرداد بر اثر جراحات وارده جان سپرد.

اعتصاب کارگران کارخانه آزمایش

کارگران کارخانه آزمایش مرودشت فارس، از روز دوشنبه ۲۷ اردیبهشت ماه در اعتصاب غذا به سر می‌برند. این اعتصاب غذا تا تاریخ ۱۳ خرداد زمان دریافت این خبر هنوز ادامه داشته است. مدیریت این کارخانه پس از دریافت گواهی نامه ۲۰۰۲ به هر یک از مهندسان و کارشناسان این کارخانه مبالغی در حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان اعطا کرد، اما هیچ پاداشی به کارگرانی که زحمت اصلی را در رساندن کارخانه به حد استاندارد جهانی کشیده بودند، پرداخت نکرد. یکی از کارگران این کارخانه به نام اکبر سجادیان یک هفته است که به علت اعتصاب در زندان عادل‌آباد به سر می‌برد و چند کارگر دیگر نیز در همین رابطه تحت تعقیب هستند.

کودکان و محیط زیست

در روز سه‌شنبه ۱۸ خرداد، گروهی از کودکان پیش دبستانی مشهد با انجام راهپیمائی از میدان شریعتی تا دانشکده پزشکی، از مسئولان، پدران و مادران و بزرگ‌سالان خواستند به مضرات آلودگی هوا توجه کنند. در این راهپیمائی که از سوی «جمعیت زنان خراسان» و «جمعیت مبارزه با آلودگی محیط زیست» سازماندهی شده بود، کودکان با حمل پلاکاردهائی با شعارهای: «زندگی سالم حق هر کودک است»، «بیانید سربیزی ایران را حفظ کنیم»، «پرندگان از هوای آلوده می‌گریزند»، «پاکسازی هوا یا مرگ» به آلودگی هوا اعتراض کردند. در قطع‌نامه‌ی این راهپیمائی کودکان

تشبثات بی‌ارزش و تهوع‌آوری پناه برند. در واقع مصباح یزدی می‌گوید ما خودمان به نام نماینده خدا روی زمین شکل حکومت تعیین کرده‌ایم و ولی امر مسلمین داریم و این عین اسلام است. حال اگر کسانی این تعبیر را قبول نداشته باشند، بخواهند تغییرش دهند، و بر این تغییر - و یا حتی تعدیل - پافشاری کنند، بی‌تردید از نظر مصباح یزدی مغایر «اهداف اسلامی» عمل کرده‌اند و کسانی که چنین کنند چیزی جز اعمال خشونت نباید انتظار داشته باشند. مصباح یزدی که مثل خامنه‌ای و محمد یزدی و احمد جنتی از صادرکنندگان فتوای مخفی قتل دگراندیشان است، در جلسه پرسش و پاسخ در دانشگاه بوعلی سینا در ۱۶ خرداد گفته است: «اگر تحقق اهداف اسلامی به جز از راه خشونت میسر نباشد، این کار ضروری است.»

مصباح یزدی به آن گرایشی در جناح حاکم تعلق دارد که معتقد است برای دفاع از اختیارات ولایت فقیه و ادامه بی‌حقی مردم باید حمام خون به پا کرد. مصباح یزدی و کسانی مثل او حرف تازه‌ای ندارند، هیچ وقت نداشته‌اند، فقط از دوم خرداد بدین سو هر وقت به حرف درآمده‌اند، تنها نمایشگر درماندگی نظریه ولایت فقیه، اسباب تمسخر و استهزاء منتقدان آن و تشدید کینه و نفرت مردم از این سیستم حکومتی بوده‌اند.

دنباله از صفحه ۱ نظریه پردازان.....

می‌توانند قانون تصویب کنند» و بعد اضافه کرده است که: «اگر ساختار حکومت در اسلام تعیین نشده، معنایش این نیست که این اختیار به مردم واگذار شده است.» «چرا که اسلام این اختیار را به ولی امر مسلمین داده که با توجه به میانی و ارزش‌های کلی اسلام و مصلحت نظام، حکم دهد.»

ناگفته پیداست که این‌ها استدلال نیست، سند افلاس و ورشکستگی نظری ولایت فقیه است. وقتی شکل حکومت تعیین نشده باشد، سپردن اختیار تام حکومت به آدمی به نام ولی فقیه در بهترین حالت فقط می‌تواند تعبیر یک دسته خاص از یک شکل حکومتی خاص باشد، نه بیشتر. بدیهی است که وقتی خود این تعبیر موضوع اختلاف باشد، دیگر نمی‌تواند به عنوان استدلالی در توجیه خودش عمل کند، زیرا موجودیت ولایت فقیه نیست که محل انکار است، مشروعیت آن است. همه می‌دانند که فعلاً خامنه‌ای ولی فقیه است، ولی اکثریت مردم نظام فقهاتی را نمی‌پذیرند. پس باید به اندازه آخوند مصباح یزدی نادان و یا سفطه‌گر بود که پنداشت که موجودیت ولایت فقیه، الزاماً معنایش مشروعیت آن هم هست. و چقدر باید کفگیر نظریه‌پردازان ولایت به ته دیگ خورده باشد که به چنین

به یاد محمد جعفر پوینده شهید اهل قلم

در روز پنج‌شنبه ۲۰ خرداد در زادروز محمدجعفر پوینده که در هفته آخر آذرماه ۷۷ بدست ماموران وزارت اطلاعات رژیم به شکل جنایت کارانه‌ای به قتل رسید، صدها نفر از فرهنگ‌دوستان، اعضای کانون نویسنده‌گان ایران، دانشجویان، جوانان و اعضای خانواده‌ی او و خانواده‌ی محمد مختاری در امام‌زاده طاهر بر آرام‌گاه او گرد آمدند. در این مراسم، ابتدا محمد خلیلی شعر خود بنام «پیشانی» را که به یاد این دو شهید اهل قلم سروده بود، خواند. سپس خواهر محمدجعفر پوینده، در سخنان خود به بررسی پرونده‌های قتل‌های سیاسی پرداخت و توضیح داد که هدف آن‌ها تلاش برای برداشته شدن نقاب از چهره‌ی آمران این جنایت هولناک است. او ضمن رد سخنان «نیازی» که گفته بود هنوز انگیزه‌ی قتل‌ها روشن نشده است با این شعر احمدشاملو پاسخ داد که: «آن‌ها که شاهنگام به در می‌گویند، به کشتن چراغ آمده‌اند!». سخن‌ران بعدی رئیس‌دانا از اعضای کانون نویسنده‌گان ایران بود که به بررسی فعالیت‌ها و کارهای فرهنگی محمدجعفر پوینده پرداخت و از مسئولان نظام خواست که به مسئولیت‌های خود عمل کنند. در پایان صدیقه صاحبی همسر محمدجعفر پوینده به بررسی تفکر او پرداخت

و گفت که بی‌حد و حصر بودن آزادی‌اندیشه و بیان پایه‌ای‌ترین دیدگاه او بود. او توضیح داد که محمدجعفر، در تمامی نوشته‌ها و کارهای خود و در جریان زندگی خود بر این عقیده بود که آزادی‌اندیشه باید به دور از دسترسی دولت باشد، زیرا با باز شدن دخالت دولت در عرصه‌ی آزادی‌ها، بهانه‌ها برای محدود کردن آن آغاز می‌شود. خانم صاحبی همچنین گفت: «ما هیچ‌گونه اطلاعی از روند کار بررسی پرونده‌ها نداریم؛ پس از این که ما- خانواده‌های مختاری و پوینده- طی نامه‌ای از مقامات قضائی توضیح خواستیم که چرا در جریان بررسی قتل‌ها قرار نمی‌گیریم، در روز چهارشنبه ۱۹ خرداد دادگاه نیروهای مسلح از من دعوت کرد و رئیس دادگاه توضیح داد که ما شبانه‌روزی در پی تحقیق از این پرونده هستیم اما هنوز انگیزه‌ی اصلی قتل‌ها روشن نشده است.» در مراسم روز پنج‌شنبه جمعیت از دادن شعار خودداری کردند اما این شعارها روی پلاکاردها نوشته شده بود: «ما خواستار محاکمه‌ی جنایت‌کاران در یک دادگاه علنی هستیم!» «ما خواهان معرفی عاملان و برداشته شدن نقاب از چهره‌ی آمران این قتل‌ها هستیم!» «مسئولان بدانید که صبر ما و مردم حدی دارد!».